

کسائی مروزی

کسائی مروزی هدایت ابواسحق ولقبش مجدالدین تاجیک تبار آریان ، ولادتش
بنابر ابیات ذیل :

بسیصد و چهل و یک رسید نوبت سال

چهار شنبه و سه روز باقی از شوال

بیامدم به جهان تا چه گویم و چه کنم

سرود گویم و شادی کنم بنعمت و مال

بسال 341 اتفاق افتاده و بسال 394 ه.ق. فوت نموده است .

وی از شاعران قرن چهارم و معاصر اواخر عهد سامانی و اوایل عهد غزنوی
است .

کسائی قصائد و چامه های شیوا دارد و زیبایی طبیعت را با تشبیهات دقیق و
جذاب و شیرین در اشعار خود وصف کرده که از مجموعه اشعار او در حدود
200 بیت باقی است. (1)

و همچنان یکی از ابیات او بمعنی :

اندران ناحیت به معدن کوچ

کوچگه داشتند کوچ و بلوچ

شهودیست که وی مثنوی نیز ببحر خفیف داشته است . از بیان اشعار موجود
کسائی بخوبی معلوم است که او از استادان مسلم عهد خود بوده و در موعظه و
حکمت نخستین شاعریست که این نوع اشعار را در اواخر قرن چهارم به پایه
کمال رساند و مقدمه ظهور شاعرانی از قبیل ناصر خسرو و قبادیانی شود.
از مواضع کسائی این ابیات را که در اثر « لغت فرس » اسدی پراکنده است می
آوریم :

بشاهراه نیاز اندرون سفر مگسال

که مرد کوفته گردد بدان ره اندر سخت

و گر خلاف کنی طمع را وهم بروی

بدرّار بمثل آهنین بود هم‌اخت (*)

ای طبع ساز ارچه کردم ترا چه بود

با من همی نسازی و دایم همی ژکی (**)

ایدون فرو کشی بخوشی آن می حرام

گوی که شیر مام ز پستان همی مکی

گل نعمتیست هدیه فرستاده از بهشت

مردم کریم تر ششود اندر نعیم گل

ای گل فروش ! گل چه فروشی بجای سیم

وز گل عزیز تر چه ستانی بسیم گل ؟

نیلوفر کبود نگه کن میان آب

چون تیغ آبداده و یا قوت آبدار

هم‌رنگ آسمان و بگردار آسمان
 زردیش برمیانه چوماه ده و چهار
 چون راهبی که دوزخ او سال و ماه زرد
 وز مطرف (***) کبود ردا کرده و ازار

روز آمد و علامت مصقول برکشید (2)
 وز آسمان شمامه کافور بردمید
 گویی که دوست قرطه شعر کبود خویش
 تاجایگاه نفاف بعمدا فرو درید
 خورشید با سهیل عروسی کند همی
 کز بامداد کله مصقول بر کشید
 و آن عکس آفتاب نگه کن علم علم
 گویی بلاجورد می سرخ بر چکید
 یا بر بنفشه زار گل نار سایه کرد
 یا برگ لاله زار همی بر فتد بخوید
 یا آتش شعاع ز مشرق فروختند
 یا پرنیان لعل کسی باز گسترید ...

منابع و مأخذ

- 1- فرهنگ معین ، ص 1576 .
 (*) مطرف : ردا
 (**) هم‌لخت : تخت کفش
 (***) ژکیدن : چغیدن ، شور غوغا کردن و آوا برآوردن
- 2 - تاریخ ادبیات در ایران ، ذبیح الله صفا ، ص 446 .